

بررسی و تحلیل ماهیتی واژه عدل و عدالت در فلسفه و حقوق اسلامی

دکتر بهنام اسدی^۱

مدیر عامل و صاحب امتیاز موسسه قانون یار

استاد دانشگاه

چکیده

عدالت در لغت به معنای استقامت چیزی، مستقیم بودن، انصاف، میزان و امر متعادل است و در اصطلاح حد وسط میان افراط و تفریط است و در این معنا از مهم ترین فضایل اخلاقی شمرده شده است. همه دوست دار عدلند و عدالت (علی الخصوص عدالت اجتماعی) یکی از شاخه های نیرومند وجدان اخلاقی بشر و سرمایه های بزرگ الهی است که اگر اجرا شود سعادت قطعی است؛ اما عمل به عدل کاری است سخت و دشوار و کمتر کسی است که بتواند به مقررات عدالت رفتار کند زیرا مسیر عدل ضد مسیر غرائز و عمل به آن مخالف با شهوات و تمایلات ناروای نفسانی است. عدالت بر پایه حقوق واقعی و فطری استوار است، و ملاک و مصداق آن را شریعت و سنت نبوی و معصومان در تشیع تعیین می کند. اگرچه در حوزه هایی مانند حقوق، فلسفه، فقه و اخلاق ممکن است این مصادیق متفاوت باشند، اما این دلیل آن نیست که عدالت را نسبی بدانیم؛ زیرا نسبییت این مفهوم، با اساس خاتمیت و ابدیت دین مغایر است. لذا هر چند ممکن است در زمانها و مکانهای مختلف تفهم درک دینی و برخی ملاکهای ارزشی تغییر کند، ولی هیچگاه اصول کلی شریعت تغییر نمی نماید و تعریف منظور شده از عدالت نیز مبتنی بر این اصول لایتغیر است. با وجود این، راه برای فهم مصادیق جدید از عدالت تشریحی باز است.

واژگان کلیدی: عدل، عدالت، عدالت در حقوق، عدالت اجتماعی، عادل، عدالت تشریحی

^۱ مولف ۴۵ کتاب پژوهشی و نویسنده بیش از صد مقاله علمی تا سال ۱۳۹۹